

شاعر و نویسنده مهاجر ایرانی ظهوری ترشیزی Iranian Immigrant Poet and Writer Zuhuri Tarshizi

دکتر عطیه حیدر

استاد یار، زبان و ادبیات فارسی، دانشکده کنیثرد، لاهور، پاکستان

Abstract:

Nooruddin Mohammad Zuhuri Tarshizi was a renowned poet of the Subk-e-Hindi (Indian style) from the early 11th century A.H. He spent time in Khorasan, Iraq, and Persia, where he interacted with officials, scholars, and poets from those regions. After visiting Mecca, he migrated to India, according to the trend of several Iranian poets at that time. Upon arriving in India, he attained notable positions and served under prominent figures like Burhan Sani Nizam Shah, the governor of Ahmadnagar, and Ibrahim Adil Shah, the governor of Bijapur. Zuhuri wrote numerous poems and prose pieces praising these leaders, often using metaphors and exaggerations. His reputation flourished, and he became the son-in-law and collaborator of the famous poet Malek Qomi, working with him on various poetic compositions. Zuhuri's "Divan" contains various literary forms, including Mathnavi, odes, rubaiyats, ghazals, stanzas, and fragments. He is also known for three prefaces in Persian prose accompanying his collections: Nurse-e-khayal, Gulzar-e-Ebrahim, and Khawan-e-Khalil, collectively known as the three prose of Zuhuri. Additionally, his Saqinameh is well regarded. This article explores the life and works of Zuhuri Tarshizi.

Keywords:

Rewards of Zuhuri, Works of Zuhuri, Three prose works of Zuhuri

چکیده:

نور الدین محمد ظهوری ترشیزی شاعر معروف سبک هندی از اوایل قرن یازدهم هجری است. وی مدتی در خراسان و عراق و فارس بسر برد و باعمال و بزرگان و شاعران آن نواحی مصاحبت داشت. سپس به مکه رفت از آنجا بروش زیاد شاعران ایرانی آن زمان به هند مهاجرت کرد. در این کشور کسب مقامات بلند کرد. وی در هندوستان بخدمت برهان ثانی نظام شاه والی احمد نگر و ابراهیم عادل شاه والی بیجاپور درآمد و در مدح ایشان نظم و نثر بسیار پرداخت و استعارات و اغراقات از زبان زد. اهل فضل گشت. وی در هند داماد و همکار شاعر مشهور ملک قمی شد. و با او در کار شعر و تصنیف مشارکت کرد. دیوان ظهوری شامل مثنوی ها، قصیده ها، رباعی ها، غزلها، ترکیب بند و قطعه ها بسیار است. سه دیباچه وی به نثر فارسی بر مجموعه های (نورس خیال. گلزار ابراهیم. خوان خلیل) به نام سه نثر ظهوری معروف است. ساقی نامه اش هم بسیار شهرت دارد. این مقاله راجع به احوال زندگانی و آثار ظهوری ترشیزی نوشته شده است.

کلید واژه ها: اسم و تولدش. احوال زندگانی در ایران. مهاجرت به هند. صله های ظهوری. آثار ظهوری. سه نثر ظهوری.

مقدمه:

نور الدین محمد ظهوری در صف آن شاعران مهاجر ایستاده است که در ایران هم مقبول بودند و بعد از مهاجرت در هند هم نام آور شدند. ولی شهرت ظهوری در هند بیشتر از ایران است وی اینجا چنین خیالات بلندش و افکار ارجمندش و نظم دلپذیرش و نثر بی

نظیرش را با ویژگی های سبک هندی آراسته کرد که مورد توجه ممدوحین و سخنوران و دیگران شد. همینطور سه نثر ظهوری جزو کتب درسی هندوستان و پاکستان به شمار می رود و بر آن شروخی نوشته اند. در زیر احوال زندگانی و آثار ظهوری ترشیزی بطور مفصل تذکر کرده می شود.

اسم: اسمش نور الدین محمد ظهوری ترشیزی است. دکتر ذبیح الله صفا می نویسد: "مولانا نور الدین محمد ظهوری". (۱)

شیخ احمد علی خان هاشمی سندیلوی در تذکره "مخزن الغرائب" اسم وی را "نور الدین ظهوری ملک الشعراء" (۲) می نویسد:

لطف علی بیگ آذر در "آتشکده آذر" نوشته است:

"نور الدین محمد مشهور به ظهوری و ملک الشعراء". (۳)

محمد عبدالغنی می نویسد:

"His name was Mulla Nuruddin, and Zuhuri was his pen name.... Abdul Baqi Nihawandi authour of Maasir-i-Rahimi, calls him Mulla Nuruddin Muhammad". (4)

بعضی از تذکره نویسان نامش را میر محمد طاهر نوشتند که صحیح نیست. میر عبدالرزاق خوافی نامش را میر محمد یا نور الدین محمد وقدرت الله گوپاموی در نتایج الافکار منحصرأ "میر محمد طاهر" ضبط کرده لیکن ملا عبدالباقی نهاوندی معاصر ظهوری که با وی در رابطه مستقیم بوده نامش را بهمانگونه آورده است که در متن ذکر کرده ام. (۵)

محمد بختاور خان در "مرآة العالم تاریخ اورنگزیب" می نویسد "نامش نورالدین محمد". (۶)

سال تولدش: نور الدین محمد ظهوری در قرن دهم هجری قمری به دنیا آمد. در حدود سال ۹۴۴ هجری قمری متولد شد. تذکره نویسان تاریخ تولدش را ننوشتند. ولی از رویدادهای خاص تاریخ دقیق تقریباً مشخص است در میخانه نوشته شده است

"گویند که هشتاد و یک سال عمر کرد". (۷)

از این حساب تاریخ تولدش ۱۵۳۷م/ ۹۴۴ه است. (۸)

دکتر سید عبدالله در کتاب، "فارسی زبان و ادب" در مقاله ظهوری می فرماید: "شاید در ۹۴۵ه در تهران متولد شد". (۹)

جای تولدش: ظهوری ترشیزی، اهل ترشیز داخل شهر کاشمر است. این شهر تحت استان خراسان است.

"نور الدین محمد، دکن ۱۰۲۶ق، شاعر و نویسنده ایرانی. در قریه جمند از توابع ترشیز (کاشمر کنونی) زاده شد". (۱۰)

دکتر ذبیح الله صفا می نویسد: "از ترشیز (کاشمر کنونی) خراسان برخاست. مولدش قریه جمند از توابع ترشیز بود". (۱۱)

در "آتشکده" نوشته شده است: "اصلش از قصبه ترشیز". (۱۲)

محمد عبدالغنی می نویسد:

"There is a difference of opinion among biographers as to his birth place.... Amin Ahmad Razi author of Haft Iqlim, states that he was a native of turbat, while Bakhtawar Khan, author of Mirat-ul-Alam, gives Tihran as his birth place. The

روح تحقیق، جلد ۲، شماره ۴، مسلسل شماره: ۶، اکتبر- دسامبر ۲۰۲۴ء

contemporary biographers like Taqi Auhadi and Abdul Baqi Nihawandi agree that he was born at khujand, a small town in the district of Tarshiz in Khurasan".(13)

پرفسور مقبول بیگ بدخشانی می نویسد: "درباره نیاکان ظهوری چیزی در دست نیست". نیز می گوید که ظهوری در یک قصبه که در جنوب ترشیز قرار دارد، به دنیا آمد و برای اثبات آن شعری از ساقی نامه ظهوری می نویسد:

بر ستاق قاین ، فتادش عبور

ظهوری ازو کرد شهری ظهور

او می نویسد که آنان که ظهوری را تهرانی، سبزواری، خجندی، تربتی یا تبریزی می نوشتند صحیح نیست.(۱۴)

احوال زندگانی در ایران و مسافرت به یزد: جوانیش به کسب ادب و دانشهای زمان در خراسان گذشت، سپس به عراق رفت و چندگاهی در یزد ماند و در آنجا با گروهی از اهل ادب معاشرت نمود و بدرگاه امیر غیاث الدین محمد میر میران والی یزد راه جست و چندگاهی در خدمت او بسر برد و در همان دیار با وحشی بافقی آشنایی و مصاحبت یافت.(۱۵) محمد عبدالغنی می نویسد:

"In Khurasan he spent the early part of his youth in the acquisition of knowledge and having studied grammar, literature, prosody, and traditions under the best teachers there, he chose for himself the profession of a poet, due to his natural inclination. While still in Khurasan his fame as a poet had spread to other provinces, and consequently he was prevailed upon by some friends to venture competition with the outside world. He therefore left for Yezd where he was warmly received by Nawab Mir Ghiyasuddin Mir Miran and rivalled Wahshi, the leading poet of Yezd".(16)

در "مآثر الکرام" نوشته است.

"بعد از تحصیل حیثیات محل سیاحت بر بست و به سیر عراق و فارس پرداخته".(۱۷)

"The author of Maasir-i-Rahimi observes as follows:

چون در خراسان نشوونما یافت وصیت آوازه فضیلت و شاعری باطراف رسانید بطریق سیر و سیاحت و اظهار قدرت و حالت خود بر مستعدان عراق بدار العبادۃ یزد افتاد و مدتی در آن دیار که مجمع فضلالی هر فن است در خدمت نواب میر غیاث الدین محمد میر میران بسر می برد و باوجود حسان الزمان مولانا وحشی بافقی راه مصاحبت و منادمت یافت و زینت مجالس و محافل آن عالیجاه بود."(۱۸)

دانش های زمان خود را در خراسان فرا گرفت. سپس رهسپار یزد شد و به درگاه امیر غیاث الدین محمد میر میران والی آن دیار راه یافت و با وحشی بافقی (۹۹۱ق) آشنا شد.(۱۹)

در جوانی سفرهایی در عراق و فارس کرد.(۲۰)

مسافرت به شیراز: بعد از چندگاه به شیراز عزیمت کرد و در آنجا با درویش حسین سالک شیرازی شاعر و نقاش و تذهیب گر معروف سده دهم دوستی و ملازمت داشت. ملا عبدالباقی نهاوندی درباره دوستی این دو تن و نهایت ایثار ظهوری درباره او شرحی دراز آورده و گفته

است که ظهوری پس از آنکه از هند بمکه رفت، درویش حسین را بدانجا خواند و یا در آنجا بدو باز خورد و هرچه از توشه سفر داشت بدو داد و خود با دست تهی بهند باز گشت. (۲۱)

From Yezd he went over to Shiraz where he entered into competitions with Muhtasham Kashi, Ghairati, Anisi, and Rizai, and became a prominent figure in the poetical assemblies which were convened in the shop of one Mirza Husain, a baker, Here he stayed for seven years, continuing his studies and acquiring skill in calligraphy. In the last named, he took lessons, from maulana Darwish Husain who was a man of versatile accomplishments and was noted in Persia in the art of penmanship. (22)

آن گاه به شیراز رفت و در آن دیار بیشتر اوقاتش را با درویش حسین سالک شیرازی از شاعران و نگارگران و تذهیب کاران پر آوازه سده دهم گذراند. (۲۳)

در "مآثر رحیمی" نوشته شده است: "از یزد بشیراز افتاد و مدت هفت سال در آن دارالعلم بود. می گویند که با مولانا درویش حین که بکمال حیثیات آراسته بود بسر برد و مولانا درویش حسین را از علم تاریخ و معما و شعر نصیبی وافر بوده و در خط و تذهیب از بی بدلان روزگار بوده و اکثر نقاشان و مذهبان شیراز شاگرد مومی الیه اند." (۲۴)

جان ریپکا می نویسد:

"In his youth he had studied literature and as a poet he lived at the court of nobles in Yazd and Shiraz. He also spent a short time at the court of shah Abbas the great, but he failed to procure suitable recognition and support". (25)

محمد عبدالغنی می نویسد:

"It appears that he was for some time at the court of shah Abbas the great, but left it for want of proper appreciation and patronage. There is one tarji band in which he very significantly laments his fate and requests the shah to bestow upon him reward and give him encouragement.

مردم و مدعا همان خامست
بدعا شعله اثر برسد
سخن کام خشک و دیده تر
بشهنشاه بحر و بر برسد
صله خواهم ز شاه حوصله نیز
کان زر قلزم گهر برسد
این بمال آن بجاه می نازد
جان بعباس شاه می نازد (۲۶)

مهاجرت به هند و متصل شدن به دربار نظام شاهیان و دربار عادلشاهیان:

ظهوری در ۹۸۸هـ. ق مهاجرت به هند کرد. ولی تذکره نویسان در این مورد اختلاف دارند که اول به کدام دیار هند رسید. تعداد زیادی از تذکره نویسان می نویسند که از سمت دکن وارد هند شد و به دربار عادلشاهیان پیوست.

متوجه ممالک جنوبیه هند گشت و به شرف ملازمت ابراهیم علی عادل شاه والی بیجا پور برخورد، به قدر افزایی سر بلند و به فواید کثیره بهره مند گردید و به مدح او که لثایی آبدار سفته آن را آویزه گوش مستمعان گردانید.

روح تحقیق، جلد ۲، شماره ۴، مسلسل شماره: ۶، اکتبر- دسامبر ۲۰۲۴ء

ساقی نامه ای که به نام برهان نظام شاه والی احمد نگر نگاشته، فرستاد. (۲۷)
ملا عبدالنبی فخر الزمانی قزوینی می نویسد: "به هند دکن افتاده و در آنجا نشوونما یافته و از دکن به مکه معظمه رفته باز بدانجا معاودت کرده و عمر خود صرف نموده". (۲۸)
در "مآثر الکرام" نوشته شده است: "عازم گلگشت دکن گشت و از خوان احسان ابراهیم عادل شاه فراوان نعمت اندوخت. و کام و زبان را بمداحی او شیرین ساخت". (۲۹)
وارد دکن شد و در بیجاپور بدرگاه عادلشاهیان رسید و ملازمت عادلشاه ابراهیم ثانی (۹۸۷-۱۰۳۵هـ) اختیار کرد و او را در قصیده ها و منظومهای خود ستوده و از همان سامان بود که آهنگ سفر حجاز نمود و در بازگشت بهند در احمد نگر پایتخت نظامشاهیان که بتازگی مسخر میرزا عبدالرحیم خانخانان گردیده بود، بخدمت آن سپه سالار شاعر پرور پیوست. وی پیش ازین تاریخ با دربار نظامشاهیان ارتباط داشت و برهان ثانی نظامشاه (۹۹۹-۱۰۰۳هـ) را مدح گفت و ساقی نامه مشروح خود را در ۴۵۰۰ بیت بنام همین پادشاه سرود ولی در اثنای همین ارتباط از پیوند با دستگاه اقتدار خانخانان غافل نبود و ستایشنامه های خود را برایش می فرستاد. (۳۰)

دکتر سید عبدالله می نویسد: "در ۹۸۸هـ از راه دریا وارد بیجا پور دکن شد. ظهوری نیز به حج مشرف شد و در بازگشت در احمد نگر در دربار برهان الملک منصب ملک الشعرا را به دست آورد. هنگامی که احمد نگر فتح شد به دربار خانخانان متصل شد وی در شصت سالگی به دربار سلطان ابراهیم عادلشاه رفت و تا بیست سال دیگر وابسته ماند." (۳۱)

دکتر علیہ

بعضی تذکره نویسان معتقد اند که ظهوری اول در احمد نگر به درگاه نظام شاهیان راه یافت. محمد عبدالغنی می نویسد:

"He came to India in 988A.H and stayed for some time at Ahmadnagar where he was appointed poet laureate at the court of Burhan Nizam Shah..... Thence he proceeded to Bijapur where he became introduced to certain nobles of the court. The one most prominent of these was Hakim Muhammad Yusaf Bijapuri who was a personal Physician to the sultan. Zuhuri wrote a qasida in praise of the latter. he took him to the court". (32)

جان ریپکا می نویسد:

"He emigrated to India in 988/1580 where he became court poet to shah Burhan Nizam in Ahmadnagar. In 1004/ 1596 he moved to Bijapur in Southern India". (33)

پرفسور مقبول بیگ بدخشانی در "تاریخ ادبیات مسلمانان پاکستان و هند" می نویسد: ۱۵۸۰م/۹۸۸هـ ظهوری از راه دریا به احمد نگر رسید. آن وقت در احمد نگر حکومت مرتضی نظام بود. در آنجا با ملک قمی آشنا شد یک مراسم دوستانه بین آن دو برگزار شد. بعد از یک سال ظهوری به مشرف شدن حج رفت. چون او برگشت. برهان نظام در آنجا به حضور او بر تخت نشست. در ۱۵۹۴م سردار اکبری خانخانان به ایالت حمله کرد و قلعه را محاصره کرد، اوضاع در آنجا بد شدند بهمین وجه ظهوری و ملک قمی به بیجاپور آمدند. در آن روزگار ابراهیم عادل شاه حامی بزرگ علم و هنر در بیجاپور حکومت می کرد. ظهوری در

روح تحقیق، جلد ۲، شماره ۴، مسلسل شماره: ۶، اکتبر- دسامبر ۲۰۲۴ء

اینجا قصیده ای به نام حکیم محمد یوسف خواند که او را به دربار شاهی آورد. ظهوری تا پایان عمر به این دربار وابسته بود. (۳۴)

دوستی با ملک قمی و ازدواج ظهوری:

ظهوری به هنگام اقامت در احمد نگر با ملک قمی آشنا شد هر دو تا درویش منش بودند. محمد قدرت الله گوپاموی می نویسد:

"ملا ملک قمی نظر به کمالات ذاتی و صفاتی ظهوری فیما بین بنای مؤانست و اتحاد نهاد و دختر خود را به عقد مناکحتش در آورد. سر رشته ارتباط این هر دو نظم طرازان به نوعی استحکام پذیرفت که تالیفات به اشتراک جلوه ظهور گرفت." (۳۵)

"ملا ملک قمی او را بزیور کمالات محلی دیده طرح الفت ریخت. و صبیحه خود را در عقد ازدواج مولانا کشید. و این هر دو سخن آفرین دماغ اتحاد نوعی رسانیدند که تالیفها بشارکت فکر به تحریر آوردند." (۳۶)

عنوان ملک الشعرائی و صله های ظهوری در هند:

حسن انوشه در باره صله های ظهوری می نویسد: "ظهوری در بیجاپور به درگاه عادل شاهیان راه یافت و در شمار ملازمان عادل شاه ابراهیم ثانی (۹۸۷-۱۰۳۵ق) در آمد و اشعار فراوانی در ستایش وی سروده. وی با دربار نظام شاهیان نیز ارتباط داشت و برهان نظام شاه (۹۹۹-۱۰۰۳ق) را مدح می گفت و از این طریق عنوان ملک الشعرائی یافت و ساقی نامه مشروح خود را در ۴۵۰۰ بیت به همین پادشاه پیشکش کرد." (۳۷)

محمد عبدالغنی می نویسد:

"The famous persian historian Iskandar Munshi of the court of Shah Abbas observes as follows".

مولانا ملک قمی و مولانا ظهوری در ظل رعایت او بسر می بردند. کتاب نوری که نه هزار بیت است هر کدام چهار هزار و پانصد بیت بنام او در سلک نظم آورده نه هزار روپیه طلا که نهصد تومان عراقی می شد ازو جایزه یافتند." (۳۸)

صاحب "مرآت الخیال" می نویسد: "سلطان ابراهیم بر تازه طرزیهای وی فریفته شد. و مورد انعامات فاخره گردانید و مدّة العمر با خود داشت. خطبه نوری که در علم هندی تصنیف کرده سلطان مذکور است، او نوشته و دستگاه سخن بجائی رسانیده که امروز خیال بندان روزگار همه معتقد اویند." (۳۹)

در بیجاپور علم خوشخیالی افراخته. در نظم و نثر ید بیضا داشت. در نثر رساله نوری و خوان خلیل و گلزار ابراهیم بنام ابراهیم عادل شاه بسیار خوب نوشته و در ساقی نامه که بنام برهان الملک گفته داد سخنوری داده. گویند وقتیکه پیش نظام شاه در احمد نگر فرستاد نظام شاه باوجود نا آشنائی سخن چند زنجیر فیل پر از نقد و نفائس و جنس صله آن فرستاد. ظهوری در قهوه خانه نشسته بود تنباکو می کشید. فرستادهای قبض الوصول خواستند. قلم برداشت بر پاره کاغذی بر نگاشته: که تسلیم کردند تسلیم کردم (۴۰)

ظهوری و عرفی شیرازی:

مؤلف "خزانه عامره" می نویسد: "درمیان مولانا ظهوری و ملا عرفی شیرازی سوالات و مراسلات بود وقتی مولانا ظهوری شالی برای ملا عرفی فرستاد ظاهر آن شال قابل

روح تحقیق، جلد ۲، شماره ۴، مسلسل شماره: ۶، اکتبر- دسامبر ۲۰۲۴ء
هدیه نبود. عرفی رقعہ در جواب ظہوری نوشته و سه رباعی در مذمت شال درج نموده ازان
جملہ است.

این شال کہ وصفش نہ حد تقریر است
آیات رعونت مرا تفسیر است
نامش نکنی قماش کشمیر کزو
صدرخنہ بکار مردم کشمیر است" (۴۱)

ظہوری و فیضی:

محمد عبدالغنی می نویسد:

"Faizi, when he went on deputation to Ahmadnagar, strongly commended him to Akbar's notice, in a special letter which he wrote from Deccan. Badauni also heard him very much praised by Faizi. According to Ma'asir-i-Rahimi, faizi on meeting Zuhuri in Deccan was greatly impressed with his poetic talents and so was the other. ... Since that time remained in touch with each other and exchanged letters in prose and poetry which were admired at both the courts". (42)

مؤلف "مخزن الغرایب" می نویسد: "رقعہ ای کہ بعلامہ زمان شیخ فیضی نوشته بود
بآن علم و کمال کہ یکتای زمان خود بودہ، شش ماہ فکر کرد و جواب رقعہ نتوانست نوشت.
آخر بعجز خود معترف گشت. فضیلت ملا ظہوری از اینجا قیاس باید کرد. و این غزل کہ
مطلعش اینست.

از دم تیغ نگہ تن بہ تپیدن دھیم
سرمہ حیرت کشیم دیدہ بدیدن دھیم

ازان رقعہ بودہ. اشعارش بسرحد کمال رسیدہ. کلامش تامل طلب است". (۴۳)

اخلاق حمیدہ او و ملک قمی را بملک الکلام مشہور است. شیخ فیضی بسیار تعریف
می کرد و این ہر دو می خواستند کہ ہمراہ شیخ بہ پایتخت لاہور بیایند، اما برہان الملک
مانع آمد. (۴۴)

وفات ظہوری: ظہوری در سال ۱۰۲۶ھ در نزاعی کہ در دکن در گرفت، بہ قتل رسید. ولی
تذکرہ نویسان در تاریخ وفات ظہوری اختلاف دارند.

لچہمی نرائن شفیق در شام غریبان می نویسد: "وفات او در سنہ خمس و عشرین و
الف (۱۰۲۵ھ) وقوع یافت." (۴۵)

محمد بختاور خان در "مرآہ العالم تاریخ اورنگزیب" می نویسد: "سنہ یکہزار و
بیست و چہار در بیجاپور پیمانہ اجل نوشید و از ساغر مرگ مدهوش گردید." (۴۶)

"ادوارد برون" در "تاریخ ادبیات ایران" می نویسد: "ظہوری و پدرزنش ملک قمی
کہ ہم از شعراء است در شورش کہ در دکن واقع گردید کشتہ شدند." (۴۷)

"دکتر عبدالحسین زرین کوب" در "از گذشتہ ادبی ایران" می نویسد: "وفات ہر دو
شاعر نیز در یکسال (۱۰۲۵) بود و ظہوری دو ماہ بیش، بعد از ملک قمی نیست. بہ روایتی
ہر دو شاعر در جریان یک آشوب در دکن بہ قتل رسیدند." (۴۸)

دکتر ذبیح اللہ صفا در "تاریخ ادبیات ایران" می نویسد: "در بیشتر مآخذہا وفات
ظہوری را بسال ۱۰۲۵ دانستہ اند و اسمعیل پاشا تاریخ این واقعہ را در ایضاح المکنون سال

روح تحقیق، جلد ۲، شماره ۴، مسلسل شماره: ۶، اکتبر- دسامبر ۲۰۲۴ء
 ۱۰۲۶ ثبت کرده است و چون مرگ ظهوری یک سال بعد از وفات ملک (۱۰۲۵هـ) روی
 داده بود همین تاریخ اخیر را باید درست تر دانست. "(۴۹)
آثار ظهوری: ظهوری هم در نظم و هم در نثر ید طولا داشت. در آن زمان درمیان
 سخنگویان پارسی هند نظم و نثر او مقبول بود. نسخه های گونا گون آثار ظهوری در زیر
 عبارتند:

دیوان کلیات: دیوان کلیات وی در ۱۳۱۵ق در کانپور به چاپ رسیده است. (۵۰)
 "دیوان او شامل قصیده، غزل، ترکیب بند، قطعه و رباعیست که بده هزار و چهار
 صد بیت بر می آید و با ساقی نامه اش به ۱۴۵۰۰ بیت بالغ می شود. در جزو رباعیات او یک
 مجموعه شهر آشوب هم دیده می شود.

رباعیهای بسیاری دارد درباره روز عاشورا، شهیدان کربلا خاصه حسین بن علی(ع) و
 نیز در ستایش امامان(ع). گذشته از آنها رباعیهای عاشقانه و عارفانه بسیار سروده است.....
 قصیده های ظهوری سرآمد اثرهای اوست که باقتفای قصیده گوین بزرگ پیشین
 تنظیم شده است..... بساختن قصیده های مدحی طولانی توجه خاص داشته و دامنه مدح را
 گاه بوصفهای گوناگون از ممدوح می کشانیده است....
 غزلهای ظهوری، چنانکه از شاعران همعهدش انتظار می رود، لطیف ترو باحال تر از
 دیگر انواع سخن اوست و در آنها همان نازک خیالیه و ظرافتها که در غزلهای قرن نهم پیدا
 شده بود ادامه دارد." (۵۱)

لطف علی بیگ آذر در "آتشکده آذر" می نویسد: "دیوان اشعار مشتمل بر قصاید و
 غزلیات و رباعیات و مدایح بسیاری مر آئمه اطهار (ع) و عادلشاه را. نسخه کهن از این دیوان
 تحت شماره ۳۸۲۰ در کتابخانه مدرسه سپه سالار جدید مضبوط است." (۵۲)
 دیوان ظهوری ترشیزی با ۱۳۰۲ غزل هندی به تصحیح و تحقیق دکتر اصغر بابا
 سالار (عضو هیات علمی دانشگاه تهران) و توسط کتابخانه مجلس منتشر گردید. دیوان
 ظهوری شامل مثنوی ها، قصیده ها و غزلهای بسیار است.
دیوان غزلیات ظهوری: این نسخه دیوان بعنوان "دیوان ملا نور الدین ظهوری" از چاپ
 منشی نولکشور واقع کانپور در (نوامبر ۱۸۹۷م) چاپ شده است. و مشتمل بر غزلهای
 ظهوری است.

سه نثر ظهوری: در سه نثر ظهوری شامل سه دیباچه نثر است. که وی بر سه کتاب نوشته
 بود.

۱. **دیباچه نورس خیال:** مقدمه ای است که وی بر کتاب "نورس خیال"، اثر ابراهیم
 عادلشاه والی بیجاپور در حدود ۱۰۰۶ق نوشت. ابراهیم عادلشاه این کتاب درباره فن موسیقی
 به نگارش در آورد.

۲. **دیباچه گلزار ابراهیم:** مقدمه ای است بر کتاب گلزار ابراهیم که ظهوری با همکاری
 ملک قمی در این کتاب نه هزار بیت، در ستایش ابراهیم عادل شاه که نامش در آغاز آن
 آمده، سروده است. دیباچه گلزار ابراهیمی پس از سال ۱۰۰۸ق به نگارش درآمد.

۳. **دیباچه خوان خلیل:** مقدمه ای است بر کتاب خوان خلیل که ظهوری آن کتاب هم با
 مشارکت ملک قمی بنام ابراهیم عادل شاه و در ستایش وی ترتیب یافته و ظهوری بعضی از

روح تحقیق، جلد ۲، شماره ۴، مسلسل شماره: ۶، اکتبر- دسامبر ۲۰۲۴ء
درباریان عادل شاه و شاعران همطراز خود را که در بیجاپور بوده اند در آن کتاب نام برده
است. دیباچه خوان خلیل در حدود سال ۱۴-۱۰۱۳ق نوشته شده است.

دکتر ذبیح الله صفا در "تاریخ ادبیات در ایران" می نویسد: "این نثرها بسرعت و
گویا از همان عهد نویسنده مورد توجه پارسی نویسان هند و سر مشق کار شان قرار گرفت و
به همین سبب بارها و بارها طبع شد. خاصه سه نثر نخستین که به سه نثر ظهوری
معروفست". (۵۳)

نیز می نویسد: "نثر او بشیوه نثرهای مصنوعست که با سجعها و آرایشهای گوناگون
و بکار بردن واژه های دشوار و کنایه ها واستعاره ها و مجازهای وافر همراهست. و از بسیاری
شهرت و رواج در هندوستان بعنوان سرمشق فصاحت و انشاء و ترسل و بصورت کتابهای
درسی بکار رفته و از آنها خاصه از "سه نثر ظهوری" نسخه ها پرداخته و چاپها ترتیب داده
اند". (۵۴)

محمد افضل سرخوش در "کلمات الشعراء" درباره نثر ظهوری می نویسد:
"در نثر رساله نوری و خوان خلیل و گلزار ابراهیم بنام ابراهیم عادل شاه بسیار
خوب نوشته. هر فقره او سجع و معنی تازه دارد گویا نظم رنگین است که او را نثر کرده
میخوانند". (۵۵)

مجموعه منشآت ظهوری:

حسن انوشته می نویسد: "مجموعه منشآت ظهوری مشتمل است بر سه بخش:
دیباچه نوری که مقدمه ای است بر نوری خیال ابراهیم عادلشاه، گلزار ابراهیم و خوان
خلیل (مدراس: ۱۲۶۷ق) در ستایش ابراهیم عادل شاه با همکاری ملک قمی". (۵۶)
دکتر ذبیح الله صفا می نویسد: "مجموعه منشآت ظهوری" تشکیل می شود با
مقدمه های نثر سه کتاب، چندنامه از ظهوری مانند مکتوبی که بغیضی فیاضی نوشته و
"پنج رقعہ" و جز آنها". (۵۷)

لطف علی بیگ آذر در "آتشکده آذر" می نویسد: "گلزار ابراهیم و خوان خلیل هر
دو کتاب را بنام عادلشاه بتالیف آورده و در فراهم کردن آنها با ملک قمی مشارکت داشته،
چنانکه در دیباچه خوان خلیل گوید: ظهوری قبل ازین در پیرایش گلزار ابراهیم و اکنون در
گستردن خوان خلیل سهیم و عدیل ملک الکلام است". (۵۸)

ساقی نامه: اگرچه ظهوری شاعر قصیده گو و غزل سراسرست باوجود این بر مثنویات هم
قدرت داشته و یک ساقی نامه مفصل نوشته، این شاهکار را در مدح حاکم احمد نگر آن
دوران بنام نظام شاه برهان ثانی نوشته بود خیلی مشهور بود، مورد استقبال و قبول مردم
قرار گرفته بود.

در "بهارستان سخن" نوشته شده است: "بخشی الملک همت خان ولد اسلام خان
بدخشی عالمگیری قریب صد و بیست ساقی نامه سخن سنجان تازه گو جمع کرد، کلام
هیچکس بان نرسیده". (۵۹)

در "آتشکده" لطف علی بیگ آذر می نویسد: "ساقی نامه مشتمل بر چهار هزار بیت
که در بحر تقارب مثنی مقصور است. [چون ساقی نامه بحضور برهان الملک نظام شاه در
احمد نگر فرستاد، این امیرچند پیل بار از نقد و جنس صلت فرمود، در این هنگام ظهوری

روح تحقیق، جلد ۲، شماره ۴، مسلسل شماره: ۶، اکتبر- دسامبر ۲۰۲۴ء
در قهوه خانه بصرف تنباکو پرداخته بود، قبض الوصول خواستند، بر پاره کاغذی چنین نوشت: تسلیم کردند، تسلیم کردم." (۶۰)
ساقی نامه ظهوری مطابق نسخه ای که در کانپور ۱۳۶۳ق چاپ شده ۴۵۰۰ بیت دارد. ساقی نامه ظهوری علاوه بر خوبی های که شعر و سخن دارد، از استحکام الفاظ و معانی و نو آوری و تازگی هم برخوردار است، محمد افضل سرخوش می نویسد:
"بسیار مربوط و پخته و استادانه گفته و تلاشها کرده و در شعرا مقرر است که چنین ساقی نامه کسی نگفته و نتواند گفت." (۶۱)
دکتر ذبیح الله صفا رقمطراز است: "ساقی نامه ظهوری بنام نظام شاه برهان ثانی ساخته شده و هم از آغاز بسبب تازگی مطلب و برداشتهای ویژه شاعرانه و عارفانه و تفصیل شهرت یافته است." (۶۲)

جان ریپکا می نویسد:

"His mathnavis certainly deserve mention the most outstanding of these being Saqi Nama "The Book of the cup bearer written in praise of the magnate of Ahmad Nagar".(63)

دیگر آثار:

- ۱- مثنوی : مثنوی که مطلع آن است:
ای بناها همه نهاده تو
هر کرا هر چه هست داده تو
۲. مثنوی: مثنوی که در پاسخ به مخزن الاسرار گفته شد. این دو هزار بیت داشت و اکنون منقرض شده است.
۳. مثنوی آئینه راز: این مثنوی عرفانی با مقدمه منشور در کتابخانه انجمن آسیایی بنگال نگهداری می شود.
۴. مثنوی ابدالیه: این مثنوی درباره اماکن صوفیانه در کتابخانه انجمن آسیایی بنگال موجود است.
۵. مکاتب ظهوری: اگرچه مجموعه ای از تحت این عنوان تولید نشد ، اما برخی از مکاتیب به نام خواجه حسین ثنائی ، فیضی و عماد خان نوشته شده است.
۶. رساله در انشاء: این مجله در کتابخانه انجمن آسیایی بنگال موجود است.
۷. رساله ظهوری: این مجله به سبک گلزار ابراهیمی در کتابخانه اندیا آفس لندن نگهداری می شود.
۸. پنج رقعہ: مجموعه ای است پنج نامه ظهوری که عنوان آنها 'شہید تبسم دیت'، 'آب از فرق'، 'زیبا عروس درایت'، 'قربان و چشم'، و 'پشت به دیوار نشسته' است. از وسوخ نمی توان گفت که این نامه های ظهوری است یا نه. آنها را به دلیل شباهت سبک سه نثر به وی نسبت می دهند. (۶۴) پنج رقعہ در هند ۱۲۷۸ق چاپ شده است. (۶۵)
۹. مینا بازار: مینا بازار در لکنو ، ۱۲۵۹ق چاپ شده است.
۱۰. تشہیر: تشہیر در لاهور، ۱۲۷۸ق به چاپ رسیده است.
۱۱. واقعات کربلا به نظم: در لکھنو، ۱۳۰۷ق چاپ شد.
۱۲. شرح ظهوری: در کانپور ، ۱۲۹۶ق به چاپ رسیده است.

ارجاع

- (۱) دکتر ذبیح الله صفا، تاریخ ادبیات در ایران، جلد پنجم، بخش سوم، (تهران: انتشارات فردوس، ۱۳۷۲ش)، ۹۷۷.
- (۲) شیخ احمد علی خان هاشمی سندیلوی، تذکره مخزن الغرائب، به اهتمام دکتر محمد باقر جلد سوم، (اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۹۹۲م)، ۳۴۱.
- (۳) لطف علی بیگ آذر، آتشکده آذر، به کوشش حسن سادات ناصری، (تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۳۶ش)، ۲۶۶.
- (4) Muhammad Abdul Ghani, A History of Persian Language and Literature at the Mughal Court, part III Akbar, (Lahore: Hijra International Publishers, 1983), 181.
- (۵) دکتر ذبیح الله صفا، تاریخ ادبیات در ایران، جلد پنجم، بخش سوم، ۹۷۷.
- (۶) محمد بختاور خان، مرآه العالم تاریخ اورنگزیب، به تصحیح ساجده س. علوی، جلد دوم، (لاهور: اداره تحقیقات پاکستان، دانشگاه پنجاب، لاهور، ۱۹۷۹م)، ۶۱۸.
- (۷) ملا عبدالنبی فخر الزمانی قزوینی، میخانه، باعناء: محمد شفیع، ایم اے، (لاهور: میسرز عطر چند کپور ایند سنز پبلشرز، انارکلی، ۱۹۲۶م)، ۲۶۹.
- (۸) پروفیسر، مقبول بیگ بدخشانی، تاریخ ادبیات مسلمانان پاکستان و هند، جلد چهارم، فارسی ادب (دوم)، (لاهور: ناشر: گروپ کیپتن سید فیاض محمود، پنجاب یونیورسٹی، لاهور، ۱۹۷۱م)، ۳۱۴.
- (۹) دکتر سید عبدالله، فارسی زبان و ادب، مجموعه مقالات، (لاهور: مجلس ترقی ادب، بی تا)، ۱۸۶.
- (۱۰) حسن انوشه، دانشنامه ادب فارسی، ادب فارسی در شبه قاره، عنوان مقاله ظهوری ترشیزی، مقاله نگار: دانشنامه، جلد چهارم، بخش دوم (تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰ش)، ۱۶۵۹.
- (۱۱) دکتر ذبیح الله صفا، تاریخ ادبیات در ایران، جلد پنجم، بخش سوم، ۹۷۷.
- (۱۲) لطف علی بیگ آذر، آتشکده آذر، به کوشش حسن سادات ناصری، (تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۳۶ش)، ۲۶۶.
- (13) Muhammad Abdul Ghani, A History of Persian Language and Literature at the Mughal court, Part III Akbar, 181.
- (۱۴) پروفیسر مقبول بیگ بدخشانی، تاریخ ادبیات مسلمانان پاکستان و هند، جلد چهارم، فارسی ادب (دوم)، ۳۱۴.
- (۱۵) دکتر ذبیح الله صفا، تاریخ ادبیات در ایران، جلد پنجم، بخش سوم، ۹۷۷، ۹۷۸.
- (16) Muhammad Abdul Ghani, A History of Persian Language and Literature at the Mughal court, Part III Akbar, 181, 182.
- (۱۷) میر غلام علی آزاد بلگرامی، مآثر الکرام موسوم به سرو آزاد، به تصحیح عبدالله خان و به اهتمام مولوی عبدالحق، دفتر ثانی، (دکن: کتب خانه آصفیه حیدر آباد، ۱۹۱۳م)، ۳۴.
- (18) Muhammad Abdul Ghani, A History of Persian Language and Literature at the Mughal court, Part III Akbar, 182.
- (۱۹) حسن انوشه، دانشنامه ادب فارسی، ادب فارسی در شبه قاره، عنوان مقاله ظهوری ترشیزی، مقاله نگار: دانشنامه، جلد چهارم، بخش دوم (تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰ش)، ۱۶۵۹.
- (۲۰) سعید نفیسی، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، (تهران: کتابفروشی فروغی، ۱۳۴۴)، ۴۴۵.
- (۲۱) دکتر ذبیح الله صفا، تاریخ ادبیات در ایران، جلد پنجم، بخش سوم، ۹۷۸.
- (22) Muhammad Abdul Ghani, A History of Persian Language and Literature at the Mughal court, Part III Akbar, 188.
- (۲۳) حسن انوشه، دانشنامه ادب فارسی، ادب فارسی در شبه قاره، عنوان مقاله ظهوری ترشیزی، مقاله نگار: دانشنامه، جلد چهارم، بخش دوم (تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰ش)، ۱۶۵۹.
- (24) Muhammad Abdul Ghani, A History of Persian Language and Literature at the Mughal court, Part III Akbar, (Lahore: Hijra International Publishers, 1983), 183-184.
- (25) Jan, Rypka, History of Iranian literature, edited by Karl Jahn, (Holland: D.Reidel publishing company, Dordrecht, 1968), 725.

- (26) Muhammad Abdul Ghani, A History of Persian Language and Literature at the Mughal court, Part III Akbar, 184-185.
- (۲۷) محمد قدرت اللہ گوپاموی، تذکرہ نتایج الافکار، تصحیح و تعلیق: یوسف بیگ بابا پور، (قم: نشر: مجمع ذخائر اسلامی، ۱۹۹۲م)، ۴۹۵.
- (۲۸) ملا عبدالنبی فخر الزمانی قزوینی، میخانہ، باعتناء: محمد شفیع، ایم اے، (لاہور: میسرز عطر چند کپور ایند سنز پبلشرز، انارکلی، ۱۹۲۶م)، ۲۶۸.
- (۲۹) میر غلام علی آزاد بلگرامی، مآثر الکرام موسوم بہ سرو آزاد، بہ تصحیح عبداللہ خان و بہ اہتمام مولوی عبدالحق، دفتر ثانی، (دکن: کتب خانہ آصفیہ حیدر آباد، ۱۹۱۳م)، ۳۴.
- (۳۰) دکتر ذبیح اللہ صفا، تاریخ ادبیات در ایران، جلد پنجم، بخش سوم، ۹۷۸.
- (۳۱) دکتر سید عبداللہ، فارسی زبان و ادب، مجموعہ مقالات، (لاہور: مجلس ترقی ادب، بی تا)، ۱۸۶.
- (32) Muhammad Abdul Ghani, A History of Persian Language and Literature at the Mughal court, Part III Akbar, (Lahore: Hijra International Publishers, 1983), 185-186.
- (33) Jan, Rypka, History of Iranian literature, edited by Karl Jahn, (Holland: D.Reidel publishing company, Dordrecht, 1968), 725.
- (۳۴) پروفیسر مقبول بیگ بدخشانی، تاریخ ادبیات مسلمانان پاکستان و ہند، جلد چہارم، فارسی ادب (دوم)، (لاہور: ناشر گروپ کیپتن سید فیاض محمود، پنجاب یونیورسٹی، لاہور، ۱۹۷۱ء)، ۳۱۵.
- (۳۵) محمد قدرت اللہ گوپاموی، تذکرہ نتایج الافکار، تصحیح و تعلیق: یوسف بیگ بابا پور، (قم: نشر: مجمع ذخائر اسلامی، ۱۹۹۲م)، ۴۹۵.
- (۳۶) میر غلام علی آزاد بلگرامی، مآثر الکرام موسوم بہ سرو آزاد، بہ تصحیح عبداللہ خان و بہ اہتمام مولوی عبدالحق، دفتر ثانی، (دکن: کتب خانہ آصفیہ حیدر آباد، ۱۹۱۳م)، ۳۴.
- (۳۷) حسن انوشہ، دانشنامہ ادب فارسی، ادب فارسی در شبہ قارہ، عنوان مقالہ ظہوری ترشیزی، مقالہ نگار: دانشنامہ، جلد چہارم، بخش دوم، (تہران: وزارت فرہنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰ش)، ۱۶۵۹.
- (38) Muhammad Abdul Ghani, A History of Persian Language and Literature at the Mughal court, Part III Akbar, 89.
- (۳۹) لطف علی بیگ آذر، آتشکدہ آذر، بہ کوشش حسن سادات ناصری، (تہران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۳۶ش)، ۲۶۶.
- (۴۰) محمد افضل سرخوش، کلمات الشعراء، بہ تصحیح صادق علی دلاوری، (لاہور: شیخ مبارک علی ایند سنز، ۱۹۴۲م) ۷۳-۷۴.
- (۴۱) میر غلام علی آزاد بلگرامی، خزانہ عامرہ، طبع ثانی، (کانپور: مکتبہ نولکشور، ۱۹۰۰م) ۳۱۴.
- (42) Muhammad Abdul Ghani, A History of Persian Language and Literature at the Mughal court, Part III Akbar, 187.
- (۴۳) شیخ احمد علی خان ہاشمی سندیلوی، تذکرہ مخزن الغرائب، بہ اہتمام دکتر محمد باقر جلد سوم، (اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۹۹۲م)، ۳۴۲.
- (۴۴) ملا عبدالقادر بن ملوک شاہ بدایونی، منتخب التواریخ، مترجم: محمود احمد فاروقی، کامل ۳ حصہ، (لاہور: شیخ غلام علی ایند سنز، ۱۹۶۲م)، ۷۱۳.
- (۴۵) لچہمی نرائن شفیق، شام غریبان، مرتبہ محمد اکبر الدین صدیقی، (کراچی: انجمن ترقی اردو، ۱۹۷۷م)، ۱۶۸.
- (۴۶) محمد بختاور خان، مرآہ العالم تاریخ اورنگزیب، بہ تصحیح ساجدہ س. علوی، جلد دوم، (لاہور: ادارہ تحقیقات پاکستان، دانشگاه پنجاب، لاہور، ۱۹۷۹م)، ۶۱۹.
- (۴۷) ادوار براون، تاریخ ادبیات ایران، ترجمہ: رشید یاسمی، چاپ دوم، (تہران: کتابفروشی ابن سینا، بی تا)، ۱۹۱.
- (۴۸) دکتر عبدالحسین زرین کوب، از گذشتہ ادبی ایران، (تہران: انتشارات بین المللی الہدی، ۱۳۷۵ش)، ۴۰۶.

- روح تحقیق، جلد ۲، شماره ۴، مسلسل شماره: ۶، اکتبر-دسامبر ۲۰۲۴
- (۴۹) دکتر ذبیح الله صفا، تاریخ ادبیات در ایران، جلد پنجم، بخش سوم، (تهران: انتشارات فردوس، ۱۳۷۲ش)، ۹۷۷، ۹۷۹.
- (۵۰) حسن انوشه، دانشنامه ادب فارسی، ادب فارسی در شبه قاره، عنوان مقاله ظهوری ترشیزی، مقاله نگار: دانشنامه، جلد چهارم، بخش دوم، (تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰ش)، ۱۶۶۰.
- (۵۱) دکتر ذبیح الله صفا، تاریخ ادبیات در ایران، جلد پنجم، بخش سوم، ۹۸۰ تا ۹۸۲.
- (۵۲) لطف علی بیگ آذر، آتشکده آذر، به کوشش حسن سادات ناصری، (تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۳۶ش)، ۲۶۷-۲۶۸.
- (۵۳) دکتر ذبیح الله صفا، تاریخ ادبیات در ایران، جلد پنجم، بخش سوم، ۱۷۱۷.
- (۵۴) ایضاً، ۹۷۹.
- (۵۵) محمد افضل سرخوش، کلمات الشعراء، به تصحیح صادق علی دلاوری، (لاهور: شیخ مبارک علی ایند سنز، ۱۹۴۲م) ۷۲.
- (۵۶) حسن انوشه، دانشنامه ادب فارسی، ادب فارسی در شبه قاره، عنوان مقاله ظهوری ترشیزی، مقاله نگار: دانشنامه، جلد چهارم، بخش دوم، ۱۶۶۰.
- (۵۷) دکتر ذبیح الله صفا، تاریخ ادبیات در ایران، جلد پنجم، بخش سوم، ۹۷۹.
- (۵۸) لطف علی بیگ آذر، آتشکده آذر، به کوشش حسن سادات ناصری، ۲۶۷.
- (۵۹) شاه نواز خان عبدالرزاق خوافی، بهارستان سخن، گورنمنت اورینتل سیریز، (مدراس: ۱۹۵۱م)، ۴۲۸.
- (۶۰) لطف علی بیگ آذر، آتشکده آذر، به کوشش حسن سادات ناصری، ۲۶۸.
- (۶۱) محمد افضل سرخوش، کلمات الشعراء، به تصحیح صادق علی دلاوری، ۷۲.
- (۶۲) دکتر ذبیح الله صفا، تاریخ ادبیات در ایران، جلد پنجم، بخش سوم، ۹۸۰.
- (63) Jan, Rypka, History of Iranian literature, edited by Karl Jahn, (Holland: D.Reidel publishing company, Dordrecht, 1968), 725.
- (۶۴) پروفیسر مقبول بیگ بدخشانی، تاریخ ادبیات مسلمانان پاکستان و هند، جلد چهارم، فارسی ادب (دوم)، (لاهور: ناشر گروپ کیپتن سید فیاض محمود، پنجاب یونیورسٹی، لاهور، ۱۹۷۱ء)، ۳۱۸-۳۱۹.
- (۶۵) حسن انوشه، دانشنامه ادب فارسی، ادب فارسی در شبه قاره، عنوان مقاله ظهوری ترشیزی، مقاله نگار: دانشنامه، جلد چهارم، بخش دوم، (تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰ش)، ۱۶۶۰.

REFERENCES

- Abdul Ghani, Muhammad, A History of Persian Language and Literature at the Mughal court, Part III Akbar, (Lahore: Hijra International Publishers, 1983A.D).
- Abdullah, Dr Syed Muhammad, Farsi Zuban_o_Adab, Majmooh Maqalat, (Lahore: Majlis Tarqi Adab)
- Abdur Razzak Khawafi, Shah Nawaz Khan, Baharistan_i_Sukhan, Government Oriental series, (Madras: 1951 A.D)
- Anusha, Hassan, Daneshnama Adab-e-Farsi, Adab-e-Farsi Dar Shihb-kara, Unwan Maqala: Zuhuri Tarshizi, Maqala nigar: Daneshnama, jild Chaharum, Bukhsh Dowum, (Tehran: Wazarat Farhang-wa-Irshad Islami, 1380H.S)
- Azad Bilgarami, Mir Ghulam Ali, Khazaneh Amra, Taba sami, (Kanpur: Maktaba Novalkashor, 1900A.D)
- Azad Bilgarami, Mir Ghulam Ali, Maasar-ul-Ikram, Mosum ba Sarv-e-Azad, Daftar-e-sani, Tasheh Abdullah Khan, Ba ahtamam Molvi Abdul Haq, (Haider Abad Daccan: Kutab Khana Asfiya, 1913 A.D)
- Azar, Lotf Ali Baig, Atashkodeh Azar, bah Kooshesh Hassan Sadat Naseri, (Tehran: Entesharat Amir Kabir, 1336H.S)
- Badakhshani, Maqbool Baig, Tarikh-e-Adbeyat Musalmanan-a-Pakistan wa-Hind, jild Panjum, Buksh Dowum, (Lahore: Nashir: Captian Syed fiaz Mahmood, Punjab University Lahore, 1971 A.D)
- Badayuni, Mulla Abdul Qadir Bin Malu'k Shah, Mantakhab -ut-Tawarekh, Motarjam: Mahmoud Ahmad Farooqi, Kamil teen hissay, (Lahore: Sheikh Ghulam Ali and Sons, 1962A.D)

- Bakhtawar Khan, Muhammad, Murat al Alam Tarikh Aurangzeb, ba tashih Sajida Sin-Alvi, Jild Dowum, (Lahore: Adarah Tehqeqat Pakistan, Danishgah Punjab, 1979A.D)
- Brown, Edward, Tarekh Adbeyat Iran, Terjama: Rasheed Yasmi, Chap Dowum, (Tehran: Kitabfroschi Ibn-e-Sina)
- Ghazvini, Mulla Abdul Nabi, Fakharal Zamani, Mikhana ba etena: Muhammad Shfi, M.A (Lahore: Meserz atr Chand Kappor and son's publishers, anarkali, 1926A.D)
- Gopamvi, Muhammad Qudrat Ullah, Tazkara Nataaej-ul-Afkar, Tasheh Yousaf Baig Babapur (Qum: Nashar Majma Zakhayeer Islami, 1387H.S)
- Nafisi, Saeed, Tarekh Nazam-o-Nasar dar Iran wa dar Zuban Farsi, (Tehran: Kitabfuroshi Froghi, 1344H.S)
- Rypka, Jan, History of Iranian literature, edited by Karl Jahn, (Holland: D. Reidel publishing company, Dordrecht, 1968A.D).
- Safa, Dr. Zabih Ullah, Tarekh Adbeyat Dar Iran, Jild panjum, Bakhsh siwom, (Tehran: Intisharat Firdous, 1373H.S)
- Shafiq, Latchmi Narayan, Sham-e-Ghariban, Mortaba Muhammad Akbar uddin Siddiqui, (karachi: Enjaman Tarqqi Urdu, 1977A.D)
- Sindhalvi, Sheikh Ahmad Ali Khan, Maghzan-ul-Gharaib, Mossahah Dr. Muhammad Baqir, Jild 4, (Islamabad: Markaz Tahqiqat Farsi Iran-va-Pakistan, 1968A.D)
- Sirkhush, Muhammad Afzal, kalamat-ul-shura, ba tasheh sadiq Ali Dilawar, (Lahore: Sheikh Mubarak Ali and Sons, 1942 A.D)
- Zarin Kob, Dr Abdul Hussain, Az Gozashteh Adabi Iran, (Tehran: entesharat Bin Olmolli Alhuda, 1375H.S)

